

باشد اولی با مردم و در شهر تمام مطلقاً حیوان بخورد و نه جلالت نماید یعنی نه
 و نبات و اگر شربت نبات از برای فوت بخورد و باین روش سازد مردم
 بر او ظاهر شود و از آن اهلان نگه دارد و مقتضای قصد خون و عرض
 و مان و نفس هیچ مسکنی بخلاف ترغیب نکند هر دم در روز آخر
 و عودۀ قریب بگذرد و مردم هر روز از آن در و از دوزخ خورده از
 حلال صدقه کند بقدر استطاعت قسم چنین دعوت تمام کند بید
 هر روز بطریق و دیگر بخواند اگر در میسر نشود و سبب فرمود
 که باند قسم است هر روز رعایت این شرایط کند و بحضور
 معتمد سخاوی دعوت کند البته التماس او رسید اگر چه میان او و
 مقصود او بعد المشرقین باشد و در شیخ سلاطین و حکام و وزراء
 و غیرهم و دفع دشمن و بدست دوست و محفوظ بماندن از جمیع
 بیایات و آفات و حوادث هیچ چیزی بهتر از این عزیمت است
 خواندن اگر چه دعوت کردن دشوار باشد هیچ کس در این

[illegible]

بر روز شنباس از صبح بکثوبت بخواند و اگر صبحی کلی باشد شنباس
 و بعد از شام بکثوبت و اگر شنباس از صبح نتواند بعد از نماز صبح
 بکثوبت بخواند و اگر روزی نتواند روز جمعه بخواند چنانچه خواهد
 این هر روز بخواند اول از بیه شروع روع مقدس عالی حضرت
 سید محمدی علیه السلام بعد از حمد و استعاذ بالله و اما بعد الحمد لله رب العالمین
 و شمس محمد غریبی و شمس زین العابدین علیه السلام و شیخ ابوسعید خدری
 جمیع مشایخ این سلسله یکبار مورد فاتحه و آیت الکرسی و سوره
 اخلاص بخواند و ثواب همه ایشان بخشد و بگوید ای محرمیت
 بزرگان اینم حرب را بر من مستحکم گردان تا خواندن اینم خرم شود
 باشد و بعد از آن غمضام بخواند و آیت آیه تم انزل علیکم من بعد
 انعم نایدایت الصوره و آیه دوم محمد رسول الله ای آخر سوره
 رب سبیل و سیر ولا تعسر علینا آیت ثانی ای آخر بعد از آن
 اقلع عور لند و از سر تعظیم و وفار و خضوع و خضوع و خضوع و خضوع

این سلسله یکبار مورد فاتحه و آیت الکرسی و سوره اخلاص بخواند و ثواب همه ایشان بخشد و بگوید ای محرمیت بزرگان اینم حرب را بر من مستحکم گردان تا خواندن اینم خرم شود باشد و بعد از آن غمضام بخواند و آیت آیه تم انزل علیکم من بعد انعم نایدایت الصوره و آیه دوم محمد رسول الله ای آخر سوره رب سبیل و سیر ولا تعسر علینا آیت ثانی ای آخر بعد از آن اقلع عور لند و از سر تعظیم و وفار و خضوع و خضوع و خضوع و خضوع

این سلسله یکبار مورد فاتحه و آیت الکرسی و سوره اخلاص بخواند و ثواب همه ایشان بخشد و بگوید ای محرمیت بزرگان اینم حرب را بر من مستحکم گردان تا خواندن اینم خرم شود باشد و بعد از آن غمضام بخواند و آیت آیه تم انزل علیکم من بعد انعم نایدایت الصوره و آیه دوم محمد رسول الله ای آخر سوره رب سبیل و سیر ولا تعسر علینا آیت ثانی ای آخر بعد از آن اقلع عور لند و از سر تعظیم و وفار و خضوع و خضوع و خضوع و خضوع

این سلسله یکبار مورد فاتحه و آیت الکرسی و سوره اخلاص بخواند و ثواب همه ایشان بخشد و بگوید ای محرمیت بزرگان اینم حرب را بر من مستحکم گردان تا خواندن اینم خرم شود باشد و بعد از آن غمضام بخواند و آیت آیه تم انزل علیکم من بعد انعم نایدایت الصوره و آیه دوم محمد رسول الله ای آخر سوره رب سبیل و سیر ولا تعسر علینا آیت ثانی ای آخر بعد از آن اقلع عور لند و از سر تعظیم و وفار و خضوع و خضوع و خضوع و خضوع

وخلص نوحاً وانه نطقه و جنة جناب ختم الواعظين و
بقية المفسرين زهير المحمدين المحمدين مولانا رضا الدين سني
عليه الرحمه والغفران بك مبارك رفت واسكنه جنة شجرة
اشجار بهشت و الثقلين محمد الحق والدين شيخ لهجه المعروف
شيخ شيخ الدين كبري قدس سره الغرير اورده و جنة كاه و
خدمت ابن ملازم بود بعد از گذاردن حج و نهارت خدمت
رسالت مآب علي الدين عليه وآله وصحبه وسلم و حاصل كرمه و
سعادت دو جهان بايد بلكه آمد بخدمت شيخ اشجار و اجازت
برهي بركت بن بدار الملوك دمع و مسكنه قديم او بعد شيخ محمد
نوقت و طمع اين خزر غريب الترسد مولانا رضا الدين سني
دهد و گفت شيخ فقير عز و كرم ترازين خزر زينت و گفت
با هر كه اين حرب باشي و يا بخواند همه مخلوقات مستخر و مطيع
باشند و بر مخالفان غالب و منظر و مقصور باشي و هر جا كه

هشتم در بیان عصمت و حفظ حق باین و جمیع مقامات و دین و دنیا
او بر آید و دشمنان او مقهور شوند و این حکایت در و بی شک
مشهور است در عهد سلطان محمد تغلق لار الله بر نامه ملک
سعد الدین سعد الملک این عزیز را در نقره گرفته بود و در خط
اند خنجر بر تنش بسته بود هر جانب دور او در صف کافران
و مخالفان شکست و مقهور شدند میگردیدند و سعد الملک
عجب تدبیر و مظهر و منصور گشت کافران که زند اسیر شدند مسلکند
این که خط مایه خراطه سعد الملک می افتد با سو قدرت سنان
نمی ماند ما سعد الملک نمی زد خراطه سعد الملک نمی زد عازان
اهل اسلام را باید که این عزیز بولیند و در نقره بگیرند و در
خون بهند و سردار لشکر در خراطه گردا بر سر نیزانند و
نخ جان آورد و بعد که قدرت خدا استعانت پیدا نماید و
سر قضیت بواز تصیف شرح امر شد بتر قطب الاولیا

عزت الوری جلال الحق و الدین قدس القدر ابو عبید الله بن
الحسن النجار قدس سره العزیز روشن شد که رسید آداب از
کتاب اهل بیت صحیح از ائمه حدیث مقبر نقل کرد که خواننده این
عزیز از بلاد دنیا و آخره در حفظ و بیان الی باب و جلد چنانست که
در انس و ملک و سوام و موم و دوش و طبع و مطیع و خرا و
خود و او مظهر و تصور باشد و خواهر بسیار است بدین اعتبار است
حزب البحر عزیمت که است بکرات و حرارت اکبر و وزیر کان درین
عزیز سلاطین مراد است و مقاصد مختلفه تصدیق دل و اعلا مراد
خواننده اند بالشرایط آن و آثار اجابت آن مناسبت فرموده اند و
بسیار دیگر شرایط خوانند آن دره است اول نامه بی اجازت خوانند
استاد سلاطین عزیمت فعل بر دارند و بیم الله العاقبه نیز عزیمت
خوانند بیوم الله از مشروع گفتن و در هر وقت متبیین و خوف عزیمت
واجب چهارم آنکه مراد می شنید و در بلاد کس غیر حق گویند

بسم الله اعظم واحتام سر عاتق کند و احتام شست و بشن از
شروع در خندند آنرا بگوید رب تبارک و تعالی عینا اب
ای یقینا کلاه حریف به بینا کند ششم الله جنم لفظ سخننا هذا الحرف
در آگوست مراد و مقصود خود بخاطر بگذرانند و گفته اند در وقت خند
اللهم تبارک و تعالی آنرا مقصود طلب نماید هفتم الله مرگاه لفظ
گوید هر حرفی از بدو شست یک انگشت خود را فرو گیرد بعد از آن
در بر و بر فرو آورد و ششم الله اگر از برای رفع عذر میخواهند جنم
شاهت الوجوه سید و ششم الله بخور و خلد در دل بگذرانند و در
جنم خود تصور کنند بنم الله جنم سید و ششم الله سر به سر نفس
بجای از جهت شگانه و در جنم ششم الله گفته شود این دعا بخور
اللهم لا تعجلنا بقضائنا ولا تهللنا بعدایک و عافنا قبل ذلک و
ارزاهم به و در ششم الله از خدا بخواهیم کلاه جنم نفس هفتم و در
با عصاره و جود مع خود فرقه آورد و عزت تمام کند و هم الله

عز و شرف کند اجتنام بخواند ایضا طریق دعوت حزب العزیز
 چند خواهد و علی امیر میخانه باید روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
 روز نهم و دهم روز بعد از غسل و کاهها حدیث کرده بنیت
 بخواند و نزدیک بعضی بنیت شرایط او از روز روز شنبه
 بخواند بعد از سه برآمدن طاعت در اقیانوس غسل کند و کاهه او را
 نماید بعد از سلام یا بار آویت و در وقت شستن او کرم مشک بپاشد
 او را و مشک فادعه را قرب مشک فاجیه و اسح مشک فادیه
 یا دریم یا حبيب اجب دعوتی و افضل حاجی اللهم انی آویت الیک و
 عزیز آویی الی کرسم شدید دده بر درود و مستطاب اخص و بسیار کما
 القاب و آیت الکرمی و سبوا انعام و شتر خواند این حزب مغزوع
 شد مادد از حد و در شنبه یا بخواند روز نهم و دهم و بنیت
 بآن مکان یا بخواند چند نسیح نماز غیر از هر روز خود در حق بگذارد
 در بعضی رسیده هر حق آن خود است آنکه بخواند و بخواند

رسد مراد خود در دل گذراند چون بلفظ شایسته الوجوه رسد
دشمنان خود را در خاطر آید چنین بگویم مفتکانه رسیده هم طرفی و
و است از رخت کند و اینست عاجزانه اللهم لا تقبله بغضک و
لا تمکنه بعد از آن دعا فنی قبل ذلک اللهم لا تو اخونی بنور غنی
و لا تسلط علی من لا یرحمی و کف ایذی الناس عینی یا حفظ
و نیز امور و مصل مراد در نیز مصل نیز مراد خود بخاطر آن دعا
همین گفته همه جانب خود است فردا آن و منقول است و اگر
کس هر روز یا هر شب بخواند همیشه در عصمت حق بماند و خاتم
بخیر باشد ایضا اگر یاد شیخ یا دوستی خیر او را بزرگان رساند باید
این خزانه خواند بر دست خود قرب زند و دست سایر بر مقام
و عضا خود آید مستقل او که مذاکر بکند خوف در کار بخواند
انسان باید که در کاری درماند یا بشر باید و در مقام خالی و مستحق
و مرا بزرگوار و این خزانه بعد از سلام بخواند بافت بار خاک

در دنیا و آخره منور باشد و این سه خوراک هر چه میگویند یعنی بعد از
عصر هر پنج روز بخواند بر آید و هر که موافقت نماید جمیع موجودات
متعالی او گردند و انواع تاثیرات هر مانند شود ایضا هجده قطره
سمن از سوار شده نهمه روز هر روز بخواند و بعد از آن
لنا هذا البحر بر مصالک بار بگوید بسم الله بحرهایا و حریتهایا ان ربی
تغفور ارحم بعد از آن بگوید بخواند مال و حساب و قضا خود
بنویسد اما بسیارم و بخت بسیار بل رسان تا آنکه در کنج پناه
برنج وقت یکبار و بعد از آن در محل طوفان تا از میان بگذرد
در طوفان فرو نشیند ایضا هجده تسبیح سلاطین و اُمراء و اوزار
روز هر روز بار بخواند و هر چه بیا من سیده ملکوت کلن است
بمصلک باز باغ عزیز گردان مراد چشم قلاق منظران گوید و بعد
شماره بار اما از لفافه بخواند و بعد اتمام دعوه هرگاه در بخانه او
آید و این سه خوراک بخواند ایضا هجده تسبیح سلاطین و اُمراء و اوزار

بر آب باران یا بر آب چاه و نیت کشیده یا نیت بسته روز هر روز
سه و یکبار بخواند یا بر آن نیت رند و چتر بجل واقع نماز کند
ان شاء الله رب العالمین یا قتل اللهم یا یغفر حبس بخواند بعد از آن است
وست و آن منتهی آن آب چاک انداخته و بای کی بر روز
یا در آب جاری انداخته مقرب محله خود بر ایضا بخواند ادای
تا آخر روز هر روز چهار بخواند بروایتی تا سه روز هر روز بار خورده بار
بخواند حضرت از قضا فاکت خیر از ارقین در سر مقام یا اللهم اغفر
مولاک غفر عراک و اقرع بفضلك غفر عراک و ابطاعک غفر
مغضیک کوید و ایضا بجهت محبت جمل و یکبار بر کلاب خواند باید
چهار مرتبه نماز بر مقام یا کوید بگویند نعم بحسب الله و الله اعلم
است و عباد الله و بعد از آن کوید خداوند محبت و موده فلان بن
فلان بن فلان بن فلان و در جمیع و در ارج و در احوال او
بید گردان و یا بگویند یا او بعد از آن بن و کف دست راست

المنی

بر زمین زند بهر سحر طریق ^{سه} روز خواند این کلاب در شرف کند
هرگاه در مقابل او رود قدری از این کلاب بر کف خود مالود و در این
فردا و سه ایضا جهت توکلی نامست از هر روز سه مرتبه و هفت بار بخواند
چون بر افشرد ها عینا رسد فقال بار یکصد بار یعنی افشرد و از رقیق زرقاق ^{عقبا}
و اسعاف غیر حساب و باید از هر روز هفت در و شش ^{عقبا} از هر یک شش
بوسه خود برد تا ابواب قیوح برونش را کرده و ایضا بیل دفع عدا
و عقد الشان تا از ده روز بهر روز سه مرتبه بار بخواند خبر مجلس
علی و حوّه اند و بار بر مقبال بار یکصد یا تا هر روز ^{عقبا} از هر یک شش
الذی لا یفارق استقامه خداوند را ترانیه و هر وقت و غیب بشکارت
و بخود مشغول گشتن و کشتن و چشم و زبان او بسته دارد و بلا کردن فقط
و ایر القوم الذین من ظلموا او احدی له رب العالمین ایضا جهت کمال معرفت
عقبا حال نامه روز به روز و روز نو زده بار بخواند چون به حج یا غیره ^{عقبا}
بینما بر رخ لا یغیا ن ^{عقبا} بار لا اله الا انت سبحانک انی
کنت

خداوند این گوید و در آخر این است که مال مغرب و حقیقت
برجست یا رحم اراجمین ایضا چنانچه این راه و سلاطین سفر قبل از آمد
مبارک شود سه روز یا نمود و نیز ایضا دعوت هر روز و از ده بار
نخواند حضرت بجز اول الله لا یقدر علینا و هم فقال یارب یارب یارب
و حفظی من جمیع البلیات یا ارحم الراحمین و در وقت در آن
شدن و فرود آمدن و محل خوف یکبار لازم دارد ایضا این
انشرح صدر و زیاده قیم تاسه روز هر روز یا نوزده بار بر نما
یا بر طلب یا بر هر نیل مینی خواند و حضرت محل بل هو قرآن مجید
فی اوج محفوظه هم فقال یارب یارب یارب انشرح لی صدری
آئینه نماید که هر روز بنامش بخواند تا دل او گشاده گردد و هم
از زیاده ایضا سلاطین ایما از غارت شیطان تا بر سر
هر روز ده بار بخواند چون به شمس الله تعظیم هم فقال یارب یارب
اللهم انی استک و ایمان صادق و قضا و قل رب اعوذ بک من

الشیطان

۸
 السبلین و اعوذ بک رب ان یخرونی و یا قاهر ذل المظلمین
 انت الذی لا یطاق انتقام قاهر الاصاب علی نفاذ مریض تا زده
 روز هر روز ده از ده بار بخواند حضرت ابی الدی لا یرفع شهرت
 بار بخوید و شغل من القرآن ما هو شفا و رحمة المومنین یا شفا
 شفا بخش قلنا از جمیع امراض بحق بسم الله الرحمن الرحیم
 بحق محمد و آله و صل علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین تمام شهرت
 حرف البحر بر روز شنبه تیار پنج سبت و پنج شهر جماد الاول میخط
 بخط کتبی بن سیدگان خدا مهر رضا تحریر است

شهرت
 بنده عابد